

دوران مصونیت امریکا به پایان رسیده است

اکنون می توانیم با شبکه‌ای از تعقیبات حقوقی محکومیت حملات امریکا را اثبات کنیم



بین المللی، باعث شد رسیدگی به پرونده‌ها در لایه‌های زیرین دیپلماسی دفن شوند و امریکا با استفاده از قدرت «وتو» در شورای امنیت، هر گونه محکومیت جدی را از خود دور کرد و ما در وضعیتی بودیم که «حق» داشتیم اما «بزار دسترسی به عدالت» را نداشتیم. **عسלו به و تهدیدات مدرن، تکرار الگوی جنتکار در لباس امنیت تأمین انرژی** با گذشت سال‌ها، کماکان دیدگاه استعماری واشینگتن تغییری نکرده است. حملات پراکنده و تهدیدات مستمر در مورد زیر ساخت‌های انرژی ایران، به‌خصوص در منطقه استراتژیک عسלו به، نشان می‌دهد، امریکا هنوز تصور می‌کند می‌تواند با یک تهدید یا یک حمله شبانه، معادلات اقتصادی منطقه را تغییر دهد و کخ‌دایی کند. او دوباره

همان دلایل سال ۶۷ را با کلمات جدید می‌سازد؛ این بار به جای حفاظت از تانکرها، از امنیت انرژی جهانی سخن می‌گوید، در حالی که طبق قواعد حقوق بین الملل، هیچ مفهومی بالاتر از «حاکمیت ملی» و «منع استفاده از زور» نیست. **تبدیل سابقه به سند محکومیت و مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها** تفاوت بزرگ امروز این است که تهدیدات فعلی امریکا در خلأ قانونی و دکت‌رین حقوقی صورت نمی‌گیرد. طبق قواعد مسئولیت دولت‌ها، وقتی دولتی به‌ه طور سیستماتیک دست به نقض حقوق دولت دیگر می‌زند، این رفتار به عنوان یک «الگوی جنایی» ثبت می‌شود. وقتی ما پرونده سکوها ۱۳۶۷ را در کنار تهدیدات امروز عسلو به را تغییر دهد و کخ‌دایی کند، او دوباره

نقدی بر آرای کمیسیون‌های پزشکی و تأثیر آن بر عدالت اجتماعی

در ابتدا شایسته‌ست است از پزشکان، پرستاران و تمامی کارمندان و کارکنان بیمارستان‌ها و تمامی مراکز پزشکی تقدیر و تشکر ویژه به عمل آید. آرای کمیسیون‌های پزشکی (مانند کمیسیون‌های تأمین اجتماعی یا نظام وظیفه) به دلیل ماهیت تخصصی، چالش‌های جدی در زمینه دسترسی به عدالت و برابری ایجاد می‌کنند. محدودیت نظارت قضایی بر این تصمیمات و ابهامات در تعیین مواردی نظیر تاریخ شروع بیماری، می‌تواند به تضییع حقوق افراد آسیب‌پذیر و شکاف در عدالت اجتماعی منجر شود. در ادامه، ابعاد مختلف این نقد و تأثیر آن بر عدالت اجتماعی را بررسی می‌کنیم.

چالش‌های ساختاری و رویه محدودیت نظارت قضایی: بر اساس رویه‌های قضایی (مانند رأی شماره ۶ دیوان عدالت اداری)، آرای کمیسیون‌های پزشکی به دلیل فنی

سایه‌های بی‌اعتباری بر پیمان‌های صلح

واکاوی نقض آتش‌بس در پرتو تعهدات بین‌المللی امریکا

آرکته *ناصر خدیاباور	در نظام حقوق بین‌الملل، اصل وفای به عهد یا همان پاک‌بوسنت سراندا، سنگ بنای تمامی توافقات و معاهدات را تشکیل می‌دهد. هنگامی که طرفین یک منازعه به اراده آزاد بر برقراری آتش‌بس توافق می‌کنند، این توافق تنها یک تفاهم سیاسی نیست، بلکه تعهدی حقوقی است که بر پایه حسن نیت بنا شده است. نقض این آتش‌بس، فراتر از شکست یک فرایند دیپلماتیک، گسستن رشته‌ای اعتماد در روابط بین‌الملل و بی‌احترامی و بی‌اعتنایی به اراده جامعه جهانی برای استقرار ثبات و امنیت است. رویکرد ایالات متحده در قبال توافقات آتش‌بس، در موارد متعدد با چالش‌های جدی حقوقی و اخلاقی مواجه بوده‌است. تحلیل عملکرد این دولت نشان می‌دهد، رویکرد ابزاری و مفاهیم حقوقی و تفهیرهای موسع و تمسح به جای‌جابه از متن توافقات، غالباً به عنوان دستاویزی برای توجیه نقض تعهدات به کار گرفته شده‌است. چنین رویه‌ای، نه تنها نظم حقوقی حاکم بر منازعات را متزلزل می‌سازد، بلکه جایگاه نهادهای بین‌المللی و قدرت الزام‌آور توافقات را نزد افکار عمومی و نخبگان علمی مخدوش می‌کند. از منظر حقوق بشردوستانه، آتش‌بس به مثابه یک چتر حمایتی برای غیرنظامیان در کانون‌های بحرانی عمل می‌کند. هر گونه نقض عهد در برقراری یا استتسوار آتش‌بس، مستقیماً به معنای در معرض خطر قرار دادن جان و کرامت انسانی هزاران انسان بی‌گناه است. در پرتو کنوانسیون‌های ژنو، مسئولیت طرفی که با نقض آتش‌بس، شرایط را برای تداوم رنج غیرنظامیان فراهم می‌آورد، مسئولیتی سنگین و غیرقابل کتمان است که در مراجع قضایی بین‌المللی می‌تواند مورد پیگرد قرار گیرد. از دیدگاه فقهی و اصول حقوقی اسلام، وفای به عهد از واجبات مؤکد است و پیمان شکنی در زمره بدترین گناهان محسوب می‌شود. در آموزه‌های اسلامی، حتی در شرایط جنگی نیز حفظ حدود و رعایت حقوق انسان‌ها و پایبندی به وعده‌ها مورد تأکید است. بنابراین، نقض توافقات‌هایی که برای جلوگیری از خونریزی امضا شده، نه تنها با موازین حقوق بین‌الملل، بلکه با اصول بنیادین اخلاق و عدالت اسلامی نیز در تضاد کامل قرار دارد و نشان‌دهنده استیاری رویکرد منفع‌طلبانه بر اصول اخلاقی است.
در نهایت، پایسته‌است که محافل حقوقی و علمی جهان با نگاهی نقادانه به این پدیده، در مسیر تبیین سازو کارهای پاسخگو کردن دولت‌های ناقض گام بردارند. تا زمانی که هزینه‌های سیاسی و حقوقی پیمان شکنی برای قدرت‌های بزرگ ناچیز باشد، صلح به عنوان یک آرمان بشر دوستانه همواره در معرض تهدید خواهد بود. برای دستیابی به جهانی ایمن‌تر، لازم‌است فراتر از شعار، بر اجرای دقیق تعهدات بین‌المللی اصرار ورزیده و هر گونه عدول از توافقات را به مثابه نقض حقوق بنیادین بشر مورد بازخواست قرار داد.	کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی و مؤلف کتاب «حقوق و روانشناسی: بررسی نقش روانشناسی در تصمیم‌گیری‌های قضایی»

این مسیر، ابزارهای اجرایی سخت‌گیرانه‌ای را برای مجرم فعال می‌کند: نخست، توقیف و بلوکه کردن دارایی‌ها؛ به‌گونه‌ای که با صدور حکم یا آغاز تحقیقات کیفری در یک کشور ثالث، می‌توان درخواست مسدودسازی حساب‌های بانکی و املاک متهمان را در آن قلمسرو ارائه داد. دوم، محدودیت تردد بین‌المللی؛ چراکه هرگونه حکم جلب یا تحقیقات کیفری، متخلفان را در معرض بازداشت یا ممنوع‌الورود شدن در بسیاری از نقاط جهان قرار می‌دهد. واشینگتن باید بداند دوران مصونیت به پایان رسیده و هر کسی که دست‌سور تخریب زیرساخت‌های انرژی ایران را صادر کند، باید بداند اکنون شبکه‌ای از تعقیبات حقوقی برای ما مطرح است که می‌تواند هر تراکش مالی یا هر سفر بین‌المللی را به یک تقاض حقوقی بدل کند.

■ **از حق خاموش تا حق فعال**

شاید در سال ۲۰۰۳ ما در دادگاه‌ها تنها بودیم و روند حقوقی را نمی‌توانستیم آن‌طور که مستحش بودیم طی کنیم، اما امروز معادله کاملاً تغییر کرده و ما اکنون روی سه محور استراتژیک حرکت می‌کنیم:

۱. **فعال‌سازی مکانیسم‌های جبرانی:** ما دیگر صرفاً در دنبال محکومیت اخلاقی نیستیم، بلکه با استناد به قواعد «جبران خسارت»، به دنبال تبدیل خسارات وارده به احکامی هستیم که منجر به توقیف دارایی‌های امریکا در کشورهای ثالث و عضو شود.

۲. **بازوی قدرتمند و کالت بین‌المللی:** ما به شبکه‌ای از متخصصان حقوقی ازاده دست یافته‌ایم که می‌دانند چگونه از قوانین داخلی کشورهای میزبان دارایی‌های امریکا استفاده کنند تا هر گونه تهدید نظامی را به یک فشار مالی بر واشینگتن تبدیل کنند.

۳. **مستندسازی دیجیتال و فوریت حقوقی:** در سال ۲۰۰۳، اثبات منشأ حملات دشوار بود. امروز با ماهواره‌ها و رادارهای پیشرفته، هر گونه حرکت نظامی امریکا در لحظه ثبت و بافاصله به عنوان مدرک جرم به دادگاه‌های صلاحیت‌دار ارائه می‌شود.

کم‌توان با بیمار را از مستمری و حمایت‌های اجتماعی محروم می‌سازد. این مسئله به‌طور مستقیم به تشدید فقر و نابرابری ساختاری منجر می‌شود.

فقدان شفافیت در استانداردهای ارزیابی: عدم وجود پروتکل‌های مدون، یکپارچه و شفاف برای سنجش در جات بیماری، باعث تفاوت فاحش در آرای صادره برای پرونده‌های مشابه می‌شود که احساس بی‌عدالتی و تبعیض را در جامعه افزایش می‌دهد.

خارج کردن مرجعیت پزشکی از انحصار سازمان‌های اجرایی و واگذاری آن به نهادهای بی‌طرف مانند پزشکی قانونی یا شوراهای مستقل نظام پزشکی. امکان‌پذیر ساختن ارزیابی تخصصی در دیوان: ایجاد شعب تخصصی یا مشاوران پزشکی مستقل در دیوان عدالت اداری تا بتوانند به ماهیت پزشکی پرونده‌ها برای احقاق حقوق شهروندان ورود کنند.

مالکیت چندگانه باشگاه‌های فوتبال و تعارض منافع در رقابت‌های ورزشی

ورزشی بیشتر از آنکه به ظاهر روابط حقوقی توجه کند، آثار عملی و میزان نفوذ واقعی افراد و نهاده‌ها را بررسی می‌کند. در نظام حقوقی ایران، هنوز مقررات اختصاصی و جامعی در باره مالکیت چندگانه باشگاه‌های فوتبال تدوین نشده است. با این حال، اصولی مانند منع سوءاستفاده از حق، رعایت رقابت منصفانه، الزامات حاکمیت شرکتی و مقررات صدور مجوز حرفه‌ای باشگاه‌ها می‌تواند مبنایی برای کنترل این پدیده باشد. با توجه به حرکت فوتبال ایران به سمت خصوصی‌سازی و ورود سرسرمایه‌گذاران بخش خصوصی، احتمال شکل‌گیری ساختارهای مالکیتی پیچیده‌تر افزایش خواهد یافت. به همین دلیل، فدراسیون فوتبال و سازمان لیگ نیازمند تدوین مقررات روشن درباره شناسایی مالکان واقعی، افشای ذی‌نفعان نهایی، محدودیت مالکیت مشترک و کنترل تعارض منافع هستند. نبود مقررات شفاف در این حوزه می‌تواند در آینده مشکلاتی را برای رقابت‌های حرفه‌ای ایجاد کند زیرا مالکیت باشگاه‌ها تنها یک موضوع اقتصادی نیست و آثار آن مستقیماً با عدالت ورزشی و اعتبار مسابقات ارتباط دارد.

■ **ضرورت اصلاح مقررات و ایجاد سازوکار نظارتی**

تجربه کشورهای دارای فوتبال حرفه‌ای نشان می‌دهد ممنوعیت کامل مالکیت چندگانه، راهکار مناسبی برای مدیریت این پدیده نیست. سرمایه‌گذاری مشترک می‌تواند به رشد اقتصادی فوتبال کمک کند، اما نیازمند نظارت دقیق و چارچوب‌های مشخص حقوقی است. از جمله راهکارهای مؤثر در این زمینه می‌توان به الزام باشگاه‌ها به افشای کامل ساختار مالکیت و معرفی افراد ذی‌نفع نهایی، تأکید دارد و فدراسیون‌های عضو را ملزم می‌کند مقررات داخلی خود را با این اصول هماهنگ کنند.

یکی از ویژگی‌های مهم حقوق ورزشی، نقش رویه‌های دیوان‌دوری ورزش (CAS) در تبیین قواعد است. این مرجع در پرونده‌های مختلف تأکید کرده است که بررسی تعارض منافع نباید تنها بر اساس اسناد رسمی مالکیت انجام شود. در نگاه دیوان‌دوری ورزش، روابط واقعی اقتصادی، مدیریتی و مالی میان اشخاص و باشگاه‌ها اهمیت اساسی دارد و فدراسیون‌های عضو را ملزم می‌کند مقررات مستقل باشند، اما اگر تصمیمات اصلی آنها در عمل از سوی یک فرد یا مجموعه مشترک اتخاذ شود، استقلال واقعی آنها محل تردید خواهد بود. این رویکرد نشان می‌دهد حقوق

حقوق ورزشی

تعویضی پلاک پایان معامله خودرو نیست نگاهی کارشناسی به تفاوت میان انتقال مالکیت و هویت قانونی وسایل نقلیه زمینی



ذکریازازرع

کارشناس رسمی دادگستری در حوزه وسایل نقلیه موتوری زمینی

در فرایند کارشناسی وسایل نقلیه، گاهی با خودروهایی مواجه می‌شویم که در نگاه نخست، هیچ نشانه‌ای از مشکل خاص ندارند. ظاهر مناسب، مدارک موجود و حتی سابقه تعویض پلاک، تصویری از یک معامله عادی و بدون دغدغه ایجاد می‌کند. با این حال، بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد، در حوزه خودرو، همیشه آنچه دیده می‌شود، تمام واقعیت نیست. همین موضوع پرسشی اساسی را مطرح می‌کند: آیا تعویض پلاک پایان بررسی‌های مربوط به خودروست یا آغاز مرحله‌ای مهم برای اطمینان از اصالت آن؟

در فرهنگ عمومی معاملات خودرو، تعویض پلاک گاهی به اشتباه نشانه قطعی سلامت و اصالت خودرو تلقی می‌شود. بسیاری از خریداران تصور می‌کنند خودرویی که مراحل تعویض پلاک را پشت سر گذاشته است، دیگر هیچ ابهامی درباره هویت آن وجود وجود ندارد. در حالی که از نگاه کارشناسی، باید میان دو مفهوم مهم تفاوت قائل شده انتقال مالکیت و احراز اصالت.

تعویض پلاک فرایندی قانونی برای ثبت مالکیت و ساماندهی وضعیت تردد و وسیله نقلیه است، اما اصالت خودرو مفهومی تخصصی‌تر دارد و به بررسی هویت واقعی وسیله نقلیه، انطباق مشخصات فنی و ثبتی و سلامت ارکان هویتی آن مربوط می‌شود. به زبان ساده، تعویض پلاک پاسخ می‌دهد «این خودرو متعلق به چه کسی است؟» اما کارشناسی اصالت پاسخ می‌دهد «این خودرو واقعاً چیست و آیا همان هویتی را دارد که اسناد و سوابق آن نشان می‌دهند؟»

هر وسیله نقلیه، مانند هر موجودیت دارای هویت، مجموعه‌ای از مشخصات منحصربه‌فرد دارد. این هویت تنها به رنگ، ظاهر، مدل یا پلاک محدود نمی‌شود، بلکه مجموعه‌ای از نشانه‌های فنی و اطلاعات ثبتی است که در کنار یکدیگر شناسنامه واقعی خودرو را شکل می‌دهند.

شماره شناسایی خودرو (VIN)، شماره موتور، پلاک شناسایی کارخانه، مشخصات فنی ثبت‌شده و تطبیق میان این اطلاعات، از مهم‌ترین ارکان هویتی خودرو محسوب می‌شوند. اصالت خودرو زمانی قابل تأیید است که میان این ارکان، اسناد موجود و وضعیت واقعی وسیله نقلیه هماهنگی وجود داشته باشد.

در کارشناسی اصالت، بررسی تنها به یک شماره یا یک قطعه محدود نمی‌شود، بلکه مجموعه‌ای از نشانه‌ها بررسی می‌شود که زنجیره هویتی خودرو را تشکیل می‌دهد. این زنجیره از زمان تولید خودرو و آغاز می‌شود و تا آخرین مرحله بهره‌برداری و نقل و انتقال ادامه پیدا می‌کند. هر گونه تغییر غیرمتعارف در این روند، نیازمند بررسی دقیق‌تر خواهد بود.

یکی از باورهای نادرست در جامعه، یکی دانستن تغییرات ظاهری خودرو با تغییر هویت آن است. برای نمونه، تغییر رنگ خودرو در صورتی که مطابق مقررات انجام شود و مراحل قانونی آن طی شود، به معنای از بین رفتن اصالت خودرو نیست. موضوع زمانی حساس می‌شود که تغییرات به ارکان اصلی شناسایی خودرو مربوط باشد. شناسه‌های اختصاصی وسیله نقلیه، همانند اثر انگشت برای انسان هستند و مبنای تشخیص و ارتباط خودرو با سوابق قانونی آن قرار می‌گیرند. آسیب به این شناسه‌ها یا ایجاد مغایرت میان وضعیت واقعی خودرو و اطلاعات رسمی، موضوعی فراتر از یک ایراد فنی یا ظاهری است و می‌تواند پیامدهای حقوقی و کیفری به همراه داشته باشد. بررسی‌های کارشناسی نشان می‌دهد، در برخی موارد، ظاهر یک خودرو می‌تواند کاملاً اطمینان‌بخش باشد، اما بررسی تخصصی تکنی را آشکار کند که برای خریدار عادی قابل تشخیص نیست. نقش کارشناسی اصالت در چنین شرایطی، ایجاد مانع برای معامله نیست، بلکه ابزاری برای حمایت از حقوق طرفین معامله است.



اصالت خودرو تنها به وسیله نقلیه محدود نمی‌شود، بلکه با امنیت اقتصادی شهروندان ارتباط مستقیم دارد. خرید خودرویی که هویت آن با ابهام مواجه باشد، ممکن است خریدار را با مشکلاتی مانند اختلافات حقوقی، توقف نقل و انتقال، خسارت مالی و فرایندهای طولانی اثبات حق مواجه کند.

البته نباید هر خودرویی دارای سابقه تعمیر، تعویض قطعه یا تغییر مشخصات ظاهری را فاقد اصالت دانست. صنعت خودرو همواره با تعمیر، بازسازی و تغییرات فنی همراه است. آنچه اهمیت دارد، قانونی بودن تغییرات و سلامت ارکان هویتی خودروست. جامعه امروز بیش از گذشته به از تقای فرهنگ معاملات خودرو نیاز دارد. همانگونه که در خرید ملک، بررسی سند و سوابق آن یک اقدام ضروری محسوب می‌شود، در خرید خودرو نیز شناخت هویت واقعی وسیله نقلیه باید بخشی از فرایند تصمیم‌گیری باشد. تعویض پلاک، مرحله‌ای مهم در مسیر قانونی انتقال خودرو است، اما پایان همه پرسش‌ها محسوب نمی‌شود. هر خودرو یا وسیله نقلیه، مانند مالکیت، تغییر و تعمیر، نیازمند بررسی دقیق‌تر است، اما احراز اصالت آغاز اطمینان از هویت واقعی خودرو خواهد بود.